

مهین شیخ ابوالقاسم انصاری ابدیست زوی حدیث دارم و چسبایه ازین
شیخ ابو منصور کازرنی رحمه الله تعالی شیخ الاسلام گفت که وی در وقت
 بود و مشایخ بسیار دیده بود و همه از عمو بود شیخ احمد بن ابی اسحاق بادی را دیده بود
 و ابوالفضل سلج صاحب علم را دیده بود **اسمعیل بن عباس بن علی رحمه الله تعالی**
 شیخ الاسلام گفت که اسمعیل را از بزرگان منست پرورش بود و حدیث شیخ
 مومن مشایخ را دیده بود و از وی حکایت میکرد **ابو سعید بن عمار رحمه الله تعالی**
 شیخ الاسلام گفت که ابو سعید پرورش بود و بیکدیگر وصاف و مرفوع سفید
 پوشیدی شیخ انرا هم بکل را دیده بود **شیخ محمد ابو حفص کوفی رحمه الله تعالی**
 شیخ الاسلام گفت که شیخ محمد ابو حفص کوفی بزرگ بوده خداوند وقت
 عظیم و از بزرگان منست و قریب از بزرگان بود و قدردان بود و شنیدند سخن
 کسی دعوی کرد پیش وی طاقت آن نیاورد عزت بوی در آمد بجنست و گفت
 خرقی چون ساعتی گذشت با خود آمد گفتا استغفر الله صعب شد او
 و عدل خواست **شیخ عمرو رحمه الله تعالی** کینت وی ابوالتمیم است
 و نام وی احمد بن محمد بن حمزه الصوفی شیخ الاسلام گفت که شیخ عمود
 خراسان بود وی پسر شاد منست یعنی آداب و رسوه صوفیان از وی موخته ام
 و عمو سرین بود با سریدی من و بیا و من هنر کاسه و ی بودی و چون وی
 در صفت شاکر من برید و بود و آداب
 بنوی من برجای وی بودی و چون بسفر بودی با همها همه عمو و شاد را
 در وقت

در این شیخ دان معلوم و شیخ ابو منصور
 و سید ۴۷
 کوفی هم کاف و سکر و او را
 و کس و تا و شاه فرقا شیخ

جهان دیده بود و شیخ ابوالعباس سنها و ندی و بیا عولفت نهاده بود چنانکه گفت
 شیخ ابوبکر را دیده بود به نیشابور و سفر اول و حج اسلام را شیخ احمد بن عثمان
 کرده بود و شیخ ابوبکر فایز را دیده بود بخارا و وی جینددا و شیخ ابوبکر سعید
 دیده بود و وی جینددا و شیخ سیروانی صیحت داشته بود و با هممه مشایخ
 چون ابوالحسن جنهم همدانی و شیخ ابوالخیر بنی و محمد ساخری و جلال
 و شیخ بواسمه و ابوالحسن نهرکی و ابوالعباس سناخی و ابوالعباس قطاب
 و غیر ایشان مشایخ وقت را دیده بود و بیا نواخته بودند و وی خدمت
 نیکو کرده بود ایشان را و با ختها رسانیده و شیخ ابوالفرج طرموسی را دیده بود
 در رجب سنه اجدی و از عین و از عمامه برفته از دنیا و عمو وی بود و سال
 بوده **شیخ احمد کوفی رحمه الله تعالی** شیخ الاسلام گفت که شیخ احمد
 کوفی خادم عمو بودی و بزرگان بسیار دیده بود و سفرهای نیکو کرده و من
 مرا گفت که ما از تو بدانشیم که ما کار دیده ایم یعنی تو ایشانرا شناخته بحقیقت
ابو الحسن محمد بن محمد رحمه الله تعالی شیخ الاسلام گفت که وی در وقت
 مرد بشکوه بود و بزرگ کسی و برائی شناخت و قریب از مکه دیده اند و بیا
 رتوه داری و ای از سریدان وی مرا حکایت کرده از همدان خادم حصری
 آنکه حصری گفت **شمر** لا تطلع الشمس الا باذن شیخ الاسلام گفت
 که حاضران هم با خبری مرا گفتند که الله تعالی را حیوات دیده گفتند خداوند

یعنی از تو که شیخ ابوالعباس را شناختم
 شیخ ابوالعباس را شناختم
 شیخ ابوالعباس را شناختم
 شیخ ابوالعباس را شناختم
 شیخ ابوالعباس را شناختم